

دکتر جان اسوالت، پادشاهان، جلسه ۲۳، بخش ۲

دوم پادشاهان ۱۱-۱۳، بخش دوم

جان اسوالت و تد هیلدیرانت ۲۰۲۴ ©

تعمیر معبد. و یک بار دیگر، من بارها در این مورد با شما صحبت کرده‌ام. تناسب در کتاب مقدس اهمیت دارد.

و ما به اینجا رسیدیم، اساساً ۱۶ آیه در مورد تلاش برای تعمیر معبد. من تعجب می‌کنم که چرا راوی اینقدر به این رویداد فضا می‌دهد. شما چه فکر می‌کنید؟ فکر می‌کنم کاملاً حق با شماست.

من فکر می‌کنم تصادفی نیست که کتاب‌های پادشاهان با سلیمان آغاز می‌شوند. و واضح است که تا آنجا، که به راوی مربوط می‌شود، مهم‌ترین کاری که او انجام داد ساخت معبد بود. و اکنون، در این لحظه بحرانی، سرانجام، سرانجام، تهدید بعل به پایان می‌رسد.

ببخشید، نه تهدید بت‌پرستی، اما تهدید بعل به پایان رسیده است. داستانی که ما به وضوح در اول پادشاهان فصل ۱۷ با آمدن الیاس شروع کردیم. بنابراین، ما تمام این فصل‌ها، ۲۱ فصل، را به حدود ۴۰ سال، ۴۰ سال بحران اختصاص داده‌ایم. آیا بعل قرار است جایگزین یهوه شود؟ آیا داستان یهوه قرار است به پایان برسد؟ حالا می‌گوییم، اوه، خب، من نمی‌توانستم این اتفاق بیفتد.

اوه، بله، می‌توانستی. داستان خیلی متفاوت می‌شد. یهوه برنده می‌شود، و او قرار است برنده شود.

اما اینکه داستان چگونه پیش می‌رفت، می‌توانست خیلی خیلی متفاوت باشد. بنابراین، فکر می‌کنم دقیقاً درست است که بله، در این لحظه، تعمیر معبد آشکارا رو به وخامت بوده است، زیرا بعلیسم از شمال نفوذ کرده و حتی در یهودا نیز نفوذ کرده است. نمادها مهم هستند.

کتاب مقدس نگرش بسیار دوگانه‌ای نسبت به نمادها دارد. و این کمی دور از ذهن است که من چه می‌خواهم بگویم، اما اشکالی ندارد. از یک طرف، نمادها تا جایی که به کتاب مقدس مربوط می‌شود، حیاتی هستند.

خدا می‌داند که ما از جسم و روح تشکیل شده‌ایم. و شما باید با چیزهای ملموس، فیزیکی و قابل مشاهده کار کنید زیرا این بخشی از وجود ماست. بنابراین، از یک طرف، نمادها حیاتی هستند.

از طرف دیگر، نمادها کشنده هستند زیرا می‌توانند جایگزین زندگی‌ای شوند که قرار است نماد آن باشند. من هرگز دوستی را که فارغ‌التحصیل حوزه علمیه است فراموش نکرده‌ام. او اکنون به نزد خداوند رفته است.

اما او به کلیسای متدیست طرح آکرون اصلی منصوب شد. طرح آکرون که در آکرون، اوهایو توسعه یافت محراب را به شکل مثلثی داشت. منبر در رأس مثلث قرار داشت و نیمکت‌ها در آن زمان دایره‌ای شکل در اطراف آن بودند.

کلیسای کوچک روستایی که من در آن بزرگ شدم در طرح آکرون قرار داشت. خب، این مردم ساختمان خود را می‌پرستیدند و مثل سنگ بی‌جان بودند. به او گفتند، ما واقعاً از موعظه‌های شما ناراضی هستیم.

او گفت، چرا؟ تو زیاد از کتاب مقدس موعظه می کنی. خب، می خواهی من چه چیزی را موعظه کنم؟ روزنامه. خب، بالاخره، او تحت تأثیر قرار گرفت.

و حدود سه سال بعد، آن ساختمان کاملاً سوخت. یکی از دوستانش با او تماس گرفت و گفت، شبی که آتش سوزی شروع شد کجا بودی؟ خوشبختانه او بهانه خوبی برای این کار داشت. اما حدس بزنید چه شد؟ آنها میلیون ها دلار جمع آوری کردند و آن ساختمان را دقیقاً همانطور که بود، بازسازی کردند.

نمادها کشنده هستند. آنها حیاتی هستند، اما کشنده هم هستند. خب، حالا که این را گفتیم، به این داستان نگاه کنید.

«جاش می گوید»: عجیبه. کلمه‌ی دیگه‌ای برایش بلد نیستم.

و به آنچه در آن آمده است توجه کنید. این برای بحث بعدی ما مهم خواهد بود. جاش کاری را انجام داد که در نظر خداوند درست بود.

در تمام سال‌های که یهویاداع، کاهن، به او تعلیم می داد، ای وای ای وای.

به آن گوش دهید. بنابراین، آیه چهارم. ما سال آن را نمی دانیم.

ما نمی دانیم که آیا این اتفاق بلافاصله رخ داد یا شاید بعد از چهار یا پنج سال یا هر چیز دیگری که نمی دانیم. جاش به کاهن گفت که تمام پولی را که به عنوان هدایای مقدس به معبد خداوند آورده شده بود جمع آوری کند. پول در سرشماری جمع آوری شد، پول از نذورات شخصی دریافت شد و پول داوطلبانه به معبد آورده شد.

بگذارید هر کاهن پول را از یکی از خزانه داران دریافت کند، سپس از آن برای تعمیر هر گونه آسیبی که در معبد یافت می شود استفاده کند. درست است؟ ما قرار است به این نماد حضور یهوه در میان خود توجه کنیم. خوش به حال آنها.

اما تا بیست و سومین سال سلطنت یوآش، کاهنان هنوز معبد را تعمیر نکرده بودند. ها؟ چی؟ چه اتفاقی دارد می افتد؟ چرا که نه؟ چه اتفاقی افتاد؟ آنها کمیته ساختمانی نداشتند. بله؟ بله؟ من اینجا کمی شوخ طبعی می کنم و به آنچه گفته شد اشاره می کنم.

اما ایده جدایی کلیسا و دولت اعتبار دارد. کشیشان مسئول این امر هستند. چرا آنها این کار را نکردند؟ بله. این یکی از احتمالات است.

این یک احتمال است. آنها به خودشان خدمت می کنند. همانطور که بعداً در این فصل گفته خواهد شد و از لاویان یادآوری می شود، قربانی های گناه و قربانی های جرم، به کاهن داده می شوند.

این حقوق کشیش است. غلات، گوشت، آن چیزها، اینها به کشیش می رسد. اما همانطور که از ساموئل می دانیم، آن کمی کسل کننده بود.

در کتاب سموئیل آمده است که کاهنان از گوشت آب پز خسته شده بودند. آنها گوشت آبدار می خواستند. آنها تکه های اول گوشت را می خواستند.

دیگه دنده‌ها نه. اونا فیله گوساله می‌خواستن. خب، آره، شاید قضیه همینه

این یه راهیه که درآمدمون رو تکمیل کنیم. نظر بقیه چیه؟ چرا اونا این کارو نمی‌کردن؟ بله، بله، بله. عهدشون.

دیگه چی؟ ببخشید؟ اونا سازنده نبودن. دقیقاً، دقیقاً. اونا نمی‌دونستن دارن چیکار می‌کنن

آنها پیمانکار نبودند. آنها معمار نبودند. آنها طراح نبودند

اونا از سطح درکشون خارجه. حالا، سوال بعدی اینه. چرا این همه سال طول کشید تا بفهمیمش؟ کی اشتباه کرده؟ یه نفر پیگیری نکرد، آره

یوآش دیگه ادامه نداد. این به من می‌گوید، و شاید بیشتر از آنچه که باید باشد، اما به من می‌گوید که خود یوآش یک متفکر و عابد مستقل نبود. این نکته که او تا زمانی که یوآش به او گفته بود چه کار کند، کار درست را انجام می‌داد.

من هیچ انگشتی را نشانه نمی‌گیرم. مخصوصاً نه به سمت خودم. اما داشتن یک رابطه وابسته با یک مسیحی دیگر بسیار آسان است.

آتش درونم تا زمانی که نزدیک آتش داغ دیگری باشم، می‌سوزد. اما اینجا هیچ زندگی معنوی مستقلی وجود ندارد. من از این مثال که سال‌ها پیش شنیده‌ام خوشم می‌آید.

آیا شما ترموستات هستید یا دماسنج؟ آیا دمای اطراف خود را تغییر می‌دهید یا صرفاً آن را منعکس می‌کنید؟ من احساس می‌کنم که یوآش یک بازتابنده بود. حالا، دقیقاً نمی‌دانم در مورد یهویداع چه فکر کنم. کتاب مقدس کلمه بدی در مورد یهویداع برای گفتن ندارد.

اما او چه کار می‌کرد؟ من گمان می‌کنم شاید او بیش از حد سرش شلوغ بود. او سعی داشت احیای زندگی معنوی کشور و بسیاری از کارهای دیگر را مدیریت کند و به سادگی وقت نداشت. اما باز هم، همانطور که گفتم، همانطور که گفتیم، بین نماد و زندگی ارتباط حیاتی وجود دارد.

زندگی و نماد. آنها نباید از کنترل خارج شوند. از سوی دیگر، این امر به ویژه پس از بازگشت آنها از تبعید صادق است.

اصلاً چرا باید زحمت ساختن معبد را به خود بدهیم؟ ساختن معبد می‌تواند راهی برای الهام بخشیدن به ایمان خودتان باشد. آیا جایگزینی برای ایمان شماست؟ نه. اما می‌تواند راهی برای شعله‌ور کردن آن باشد.

بنابراین، آنها پول را می‌دهند. آن را از دست کشیش می‌گیرند. آن را از دست واعظ می‌گیرند و به کمیته‌ی ساخت و ساز می‌دهند.

حالا، بگذارید چیز دیگری را به شما یادآوری کنم. ساختن خیمه را به خاطر دارید؟ چه کسی مسئول آن بود؟ شخصی غیر روحانی به نام بصلئیل، اولین شخصی است که در کتاب مقدس به طور خاص به او گفته شده است. است که از روح القدس پر شده است - یک شخص غیر روحانی

باز هم، فکر می‌کنم چنین خطری برای متخصصان و تماشاگران وجود دارد. اول از همه، در کتاب مقدس در مورد هارون می‌بینید. برای من جالب است که حتی یک نکته مثبت در مورد شخص هارون در کتاب مقدس گفته نشده است.

در مورد کاهنان اعظم، بله. اما هارون؟ فکر می‌کنم دقیقاً برای این است که مطمئن شویم هرگز فکر نمی‌کنیم هارون منجی است. اما خب، این هم هست.

هارون، برای ما خدایی بساز که ما را از این بیابان بیرون بیاورد. و هارون می‌گوید، بسیار خب. آن گوشواره‌های طلا را از گوش‌هایت در بیاور.

.کلمات محکم. اون گوشواره‌های طلا رو از گوشت در بیار. بدهشون به من.

.و بعد می‌نشینی و ساکت می‌شوی و یک مرد مصری آموزش‌دیده در حوزه علمیه را در حال کار تماشا می‌کنی. این نسخه زنده اسوالد است. آنها دیگر کاری برای انجام دادن نداشتند.

هارون این چیز را ساخت. وقتی موسی از او پرسید چه کسی آن را ساخته، در موردش دروغ گفت. اما فکر می‌کنم چیزی که اینجا می‌بینیم، خیلی نامحسوس، این واقعیت است که همه ما فراخوانده شده‌ایم.

همه ما فراخوانده شده‌ایم. و وقتی این [وظیفه] از دست افراد مذهبی حرفه‌ای خارج شده و به دست کسانی سپرده شده که [در این زمینه] متخصص هستند، فکر نمی‌کنم تصادفی باشد، و به ما گفته می‌شود که لازم نبوده از آنها حساب پس گرفته شود، چون با صداقت کامل عمل کرده‌اند. بله.

، کار معبد خدا کار افراد مذهبی حرفه‌ای نیست. این کار همه کسانی است که به نام خدا خوانده شده‌اند، افرادی که با صداقت الهی مشخص می‌شوند.